

واکاوی حق معاشرت به معروف در روابط زوجین با تأکید بر حقوق فطری

فاطمه شریفی^۱، علی جعفری^۲، سید عبدالرحیم حسینی^۳

چکیده

امروزه مقررات و احکام اسلامی به ویژه در حوزه خانواده با شبهات و اشکالاتی روبه روست که یکی از بهترین راه های حل این شبهات و اشکالات مراجعه به حقوق فطری و تطبیق مقررات اسلام با این حقوق است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی حق معاشرت به معروف در روابط زوجین و برای پاسخ به این سؤال که حق معاشرت به معروف تا چه میزان با حقوق فطری زوجین، مبانی فطری ایشان و خانواده منطبق است، انجام شد. بدین منظور کلیه آثار علمی مربوطه به شیوه توصیفی- اسنادی مورد بررسی قرار گرفت. با بررسی های انجام شده، مطالعه ای که به طور مستقل موضوع پژوهش حاضر در آن بررسی شده باشد، یافت نشد. نتایج نشان داد که تکلیف معاشرت به معروف بیشتر متوجه فردی است که دارای اختیارات است و در انجام این اختیارات امکان سوءاستفاده وجود دارد. رفتار شایسته هریک از زوجین، موافق با فطرت و طبیعت ایشان و همگام با اصلی ترین هدف و کارکرد خانواده یعنی، ایجاد مودت و رحمت است. معاشرت به معروف نباید برخلاف ویژگی های زوجین و نظام خانواده باشد که براین اساس، در خانواده، مصلحت نوعی و شخصی باید همزمان مورد توجه قرار گرفته و تأمین شود.

واژگان کلیدی: حقوق فطرت، حقوق متقابل زوجین، معاشرت به معروف،

تکوین، تشریع.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹
۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، گروه فقه و اصول، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

Email: fatemehsharifi@ut.ac.ir

۲. استادیار حقوق خصوصی، دانشکده الهیات، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: alijafari@ut.ac.ir

۳. دانشیار فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

Email: abd.hosseini@ut.ac.ir

Exploring the Right to Good Behavior in Couples' Relationships with the Emphasis on Inherent Rights

Fatemeh Sharifi¹, Ali Jafari², Seyed Abdolrahim Husseini³

Nowadays, there are some doubts and problems in the Islamic rules, particularly in family, that referring to inherent rights and adapting the Islamic rules to them is one of the best ways to solve these problems. The purpose of this research is to explore the right to good behavior in couples' relationships and to answer the question of how much the right to good behavior is compatible with couples' inherent rights, their inherent foundations, and family; thus, all related scientific sources were descriptively-documentarily reviewed, and there was no study that examined the subject of this research. The results showed that a person having authorities and there is the possibility of their misuse has more right to good behavior. The good behavior of each of the couples is in accordance with their natures and is compatible with the creation of kindness and mercy as the main purpose and function of family. If the good behavior is against couples' characteristics and the family system, both the typical and personal expediency should be taken into account simultaneously.

Keywords: inherent rights, couples' mutual rights, good behavior, genesis, legislation.

Paper Type: Research

Data Received: 2020 / 09 / 19 **Data Revised:** 2021 / 12 / 07 **Data Accepted:** 2022 / 01 / 09

1. Ph.D. Student in Jurisprudence and Islamic Law, Department of Jurisprudence and Principles, College of Farabi - University of Tehran, Qom, Iran.

Email: mailto:fatemehsharifi@ut.ac.ir

2. Assistant Professor of Private Law, Faculty of Theology, College of Farabi - University of Tehran, Qom, Iran.

Email: mailto:alijafari@ut.ac.ir (Corresponding Author)

3. Associate Professor of Jurisprudence and Principles of Law, Faculty of Theology, College of Farabi - University of Tehran, Qom, Iran.

Email: mailto:abd.hosseini@ut.ac.ir

واژه‌های حقوق و فطرت در مکتب اسلام دارای مفاهیم عمیق و سابقه طولانی است که اغلب با استناد به دلیل عقلی بیان شده است. این واژگان در دوران معاصر با تعبیر حقوق طبیعی یا حقوق فطری با آشنایی از حقوق غربی در میان حقوقدانان مسلمان رواج یافته است. فرستادن پیامبران الهی، نزول کتاب‌های آسمانی، لزوم اجرای دستورهای الهی و برقراری حکومت دینی با هدف بیدار کردن فطرت انسان است. به عبارت دیگر حقوق طبیعی و فطری از آنجا پیدا شد که دستگاه خلقت با روشن بینی و توجه به هدف، موجودات را به سوی کمالاتی که استعداد آن را در وجودشان نهفته است، سوق می‌دهد. از آنجا که دنیای کنونی با طرح شبهات و ابهامات زیادی در رابطه با مقررات و احکام اسلامی روبه‌رو است یکی از بهترین راه‌های حل آن مراجعه به حقوق فطری و تطبیق مقررات اسلام با این حقوق است. در زمینه ابهامات و شبهاتی که به حوزه‌های مختلف مباحث اسلامی وارد است، شبهات مربوط به حوزه خانواده نمود بیشتری دارد. براین اساس، پژوهش حاضر با هدف پاسخ به شبهات در حوزه خانواده به‌ویژه حق معاشرت به‌معروف انجام شد. بدین ترتیب حقوق فطری در حوزه خانواده تبیین و با حقوق زوجین تطبیق داده شد؛ چراکه اگر بتوان اثبات نمود حقوق زوجین بر مبنای حقوق فطری و مطابق با فطرت و طبیعت انسان است، بسیاری شبهات و ابهامات در این حوزه رفع خواهد شد.

از جمله حقوق زوجین و به‌ویژه حق زوجه، حق معاشرت به‌معروف است. پژوهش حاضر به دنبال هدف اصلی، برای پاسخ به این سؤال که مبنای فقهی معاشرت به‌معروف چقدر با فطرت و طبیعت بشر سازگار است؟ انجام شد. به عبارتی، آیا حق معاشرت به‌معروف ازجمله حقوق فطری بشر است؟ در پژوهش‌های مربوط به حقوق زوجین، به‌طورمستقل موضوع حق معاشرت به‌معروف مورد بررسی قرار گرفته و در پژوهش‌های مربوط به حقوق فطری نیز تاحدودی ویژگی‌های حقوق فطری تعریف و بیان شده پرداخته شده، اما پژوهش مستقلی که معاشرت به‌معروف را به‌طور تطبیقی با حقوق فطری مطالعه کرده باشد یافت نشد. ازاین‌رو، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا حق معاشرت به‌معروف میان زوجین مبتنی بر فطرت و طبیعت زوجین و ویژگی‌ها و کارکردهای خانواده است؟

۲. چهارچوب نظری پژوهش

حقوق طبیعی و فطری از آنجا پیدا شد که دستگاه خلقت با روشن بینی و توجه به هدف، موجودات را به سوی کمالاتی که استعداد آنها را در وجود آنها نهفته است، سوق می دهد. هر استعداد طبیعی مبنای یک حق طبیعی است و یک سند طبیعی برای آن به شمار می آید. (مطهری، ۱۳۷۷) امر فطری، چیزی است که با آموزش، تلقین، مواجهه با عالم واقع (اعم از مادی و غیرمادی)، فعالیت ذهنی و عقلانی (اعم از تحلیل، ترکیب، استدلال و تعریف)، مجاهدات نفسانی و اموری مانند این به دست نیامده است بلکه امری است که با آفرینش همراه است (ابوترابی، ۱۳۹۷). بدین دلیل ویژگی بارز حقوق فطری، غیراکتسابی بودن آن است که جامع همه اصطلاحات مربوط به آن است.

حقوق فطری دارای ویژگی هایی است. ویژگی هایی که اندیشمندان مسلمان برای فطرت بیان نموده اند عبارت اند از: امور فطری در اصل آفرینش انسان موجود است (ابن سینا، ۱۳۶۴)، تغییرناپذیر و ثابت است (موسوی خمینی، ۱۳۷۲)، فراگیر و عمومی است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۲) و غیراکتسابی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ۳۵۸/۲). ویژگی غیراکتسابی بودن که در همه معانی و ویژگی های امور فطری موجود است، فصل الخطاب امور فطری است؛ اموری که در سرشت و نهاد بشر به ودیعه نهاده شده است.

برای واکاوی ارتباط نظام تکوین و تشریع و چرایی این ارتباط، علل لزوم هماهنگی این دو نظام باید تبیین شود. خالق نظام تکوین و تشریع خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۷۹) و عقل تنها چراغی برای هدایت انسان است و هدایت فطری مدخل هدایت تشریعی و بستر آن می باشد. فطرت فرودگاه دین است و دین بر فطرت می نشیند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ۲۸۸/۱۶). همچنین ناهماهنگی میان نظام تکوین و تشریع مستلزم تناقض است (ربانی گلیپاگانی، ۱۳۸۸) و نظام تشریع مکمل نظام تکوین و هدایتگر و محافظ آن در برابر نادرستی است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ۱۰۴/۷). و نظام تکوین غائیتی دارد که باتوجه به پیچیدگی اش نیازمند نقشه راه است. بنابراین، هر استعدادی که در وجود و خلقت و به تعبیری فطرت انسان است، مبنای حق برای انسان می باشد. گویی استعدادهای فطری انسان پایه حقوق وی را تشکیل می دهند. بنابراین، باتوجه به چرایی تطبیق نظام تکوین و تشریع، تنها مرجعی که می توان



برای دریافت حقوق انسانی به آن مراجعه کرد آفرینش انسان و استعدادهای وی است، اما بایستی توجه داشت که انسان از درک همه اسرار و رموز آفرینشش آگاه نبوده و در بهره‌برداری از مرکز رزق خود یعنی فطرت، به وحی نیازمند است.

۱-۲. ضرورت توجه به حقوق فطری و فلسفه احکام

عقل مستقل در برخی متون به عقل فطری نیز یاد شده است. کاربرد این اصطلاح رابطه حقوق فطری را با عقل، که یکی از منابع فقهی است، نشان می‌دهد. (بحرانی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۱/۱۳۱) استاد مطهری، ضرورت حقوق طبیعی را عقلانی بودن و پشتوانه بودن آن برای حقوق موضوعه می‌داند و بیان کرده است: «در حقیقت، نظریه حقوق فطری را باید نظریه حقوق عقلی نام نهاد؛ زیرا فقط مطابق این نظریه است که می‌توان به قضایای بدیهی عقلی و اصول متعارفه در باب حق، قائل شد» (مطهری، ۱۳۷۹/۳، ۲۵۵). به تعبیر دیگر، این وظیفه عقل است که حقوق فطری را ادراک کند و عقل در کنار دیگر منابع شریعت، وظیفه دارد و مقررات شریعت تنها وضعی نیستند. گویی وظیفه عقل در کنار حقوق فطری، پیدا کردن مبانی حقوق اسلامی و حقوق وضعی آن و کشف و استنباط حکم شرعی است. رمز عظمت و جنبه اعجاز‌آمیز دین اسلام در این است که دامنه تعلیماتش توسعه دارد و هر قسمتی را که علم با چراغ خود روشن کند، تعلیمات اسلامی روشن‌تر می‌شود.

شهید مطهری در بیان اهمیت این مبحث بیان می‌کند:

فقه‌ها، هیچگاه به فلسفه احکام کاری ندارند و معتقدند که ما اگر بخواهیم در مسائل، تابع فلسفه کارها بشویم و با فلسفه خودمان کارها را بسنجیم، فقه را به کلی زیرورو کرده‌ایم. ما نوکر ادله و نصوص هستیم؛ یعنی هرطور که نصوص و ظواهر حکم کند، ما تابع آن هستیم. ممکن است در بسیاری از موارد فلسفه‌هایش را درک کنیم در این صورت خیلی هم خوشوقت می‌شویم. اگر در مواردی هم فلسفه‌اش را درک نکردیم از نص دست برنمی‌داریم به خاطر فلسفه. (مطهری، بی‌تا)

آشنایی با فلسفه احکام نیز نوعی بصیرت در دین ایجاد می‌کند به شرط آنکه در آن افراط نشود و درجه اهمیت را نشان می‌دهد. این قسمت، اهمیت و اثر اجتماعی زیادی دارد و غفلت از آن مسلمین را به انحطاط کشانده و توجه به آن مسلمین را به سوی اعتلا می‌برد، ولی در این مرحله کاری صورت نگرفته است، درحالی‌که این مسئله در رأس اموری است که باید به آن پرداخته شود. (مطهری، ۱۳۷۹/۲، ۲۳۴-۲۳۵)



گویی مبنا این است که همه دستورات دین طبق فطرت و طبیعت بشر باشد و عقل و احکام عقلی به مرور زمان، فلسفه احکام اسلامی را روشن نماید. بنابراین، عقل علاوه بر اینکه در مواردی کاشف حکم الهی است در بسیاری از موارد گشاینده اسرار احکام الهی و تطبیق دهنده آن با فطرت و خلقت انسان است و به همین دلیل است که عقل در کنار قرآن و سنت یکی از منابع فقه به شمار می‌آید. براین اساس، جای این مسئله در فقه شیعه خالی است که متناسب با پیشرفت علم، فلسفه احکام نیز تدوین شود تا برای مسلمانان معاصر تبیین شود که فقه شیعه تا چه میزان موافق طبع بشر است. به تعبیر شهید مطهری براساس حقوق طبیعی، می‌توان فلسفه بسیاری از دستورهای شریعت را فهمید و یا بر مبنای آن، حقوق تازه‌ای را کشف و تبیین کرد. ایشان بسیاری از مشکلات و شبهات در حقوق اسلامی را با همین مبنا حل نموده است که درواقع از نتایج تفسیر غایی از حقوق فطری است. ایشان معتقد است که بدون توجه به آن، بسیاری از حقوق را نمی‌توان تفسیر و تبیین کرد. درواقع فهم فلسفه حقوق اسلامی و پویایی قوانین و مقررات اسلامی درگرو فهم مبانی این نظریه است (ر.ک.، مطهری، ۱۴۰۳ ه.ق، ص ۲۷۸).

براساس حق عقل که یک مصدر تشریع در سیستم قانون‌گذاری اسلام است و توجه به عقلانیت و فلسفه احکام و مقررات اسلامی، می‌توان مبانی مکتب حقوقی اسلام را کشف (و نه خلق) کرد. باتوجه به مبانی عقلانی حقوق طبیعی، بسیاری از حقوق و تکالیف انسانی که ناسازگار و غیرقابل توجیه می‌نماید، به‌طور کامل عقلانی و توجیه‌پذیر می‌شوند و با الهام از نظام تکوین، می‌توان فلسفه بسیاری از دستورهای شریعت را فهمید و پایه‌های فلسفه اجتماعی اسلام و مبانی عقلانی حقوق اسلامی را بنا نهاد. تنها راه عقلانی شدن حقوق، پایبندی به این نظریه است که آن‌هم تنها در فلسفه الهی اسلام قابل تبیین است. (حسینی، ۱۳۸۶) این‌گونه تلاش‌های علمی، مورد تأیید معصومان علیهم‌السلام بوده است. آنان نیز در عصر خود با پرسش‌های فراوانی درباره علت و حکمت بسیاری از احکام عبادی و غیرعبادی روبه‌رو بودند و در برابر آنها باتوجه به میزان دانش و فرهنگ پرسش‌گران، مخاطبان و جامعه عصر خویش و با تکیه بر دانش آسمانی خود، پاسخی مناسب می‌دادند. بخشی از این‌گونه پرسش‌ها و پاسخ‌ها، سبب تألیف مجموعه‌های روایی به نام *علل الشرائع* گردید

که از جمله آنها می‌توان دو کتاب مهم به همین نام، تألیف فضل بن شاذان و شیخ صدوق (۱۳۸۵) را نام برد (مسعود امامی، ۱۳۹۲).

باتوجه به همه اموری که در رابطه با حقوق فطری در فقه امامیه بیان شد، می‌توان ادعا نمود که مقصود فقهای امامیه از حقوق فطری، کارکرد عقل در کشف، استنباط و هادی مکلف و مجتهد در اجرای دین است. در رابطه با حقوق فطری گاهی خود عقل، حکم را کشف می‌کند و در بسیاری از عوامل ما را در پی بردن به فلسفه احکام یاری می‌رساند. بنا به نظر شهید مطهری با الهام از نظریه فطرت و نظام تکوین است که می‌توان فلسفه بسیاری از دستورهای شرع را فهمید. بدین صورت که ابتدا به کمک عقل نظام تکوین را شناخت و سپس با یاری وی و با پیشرفت آن، فلسفه احکام را دریافت. در این مسیر نمی‌توان مدعی شناخت کامل فلسفه احکام شد، اما با کمک آن حداقل می‌توان بهتر و رساتر کامل بودن دین اسلام اثبات کرد.

۲-۲. معاشرت به معروف در روابط زوجین

قوانین اسلامی برای حفظ نهاد خانواده مواضعی را تعیین کرده است که یکی از مهم‌ترین این قوانین معاشرت به معروف میان زوجین است. در واقع در نظام حقوقی اسلام، معاشرت به معروف برای زوجین یک اصل حقوقی و حکم اخلاقی است که عمل به تکلیف زوجین نسبت به یکدیگر است و ملاک و معیار در معاشرت به معروف، عرف، آداب و رسوم است؛ عرفی که منطبق بر عقل سلیم بوده و با اهداف تشکیل خانواده مغایرت نداشته باشد. معاشرت به معروف از حقوق غیرمالی زن و مرد نسبت به یکدیگر است. چون در نهاد خانواده حقوق در خدمت اخلاق و اخلاق مقدم بر حقوق است، رعایت حقوق غیرمالی زوجین می‌تواند نقش چشمگیری در تقویت این نهاد ایفا کند (موسوی بجنوردی و مهرگان صومعه‌سرای، ۱۳۹۶). زن و مرد وظیفه دارند در زندگی مشترک خانوادگی و زناشویی، نسبت به هم خوش رفتار، خوش رو و خوش گو باشند و از هرگونه بدرفتاری، ترش روی و بدگویی دوری نمایند، مگر اینکه عذر شرعی، قانونی و عرفی داشته باشند. در روش قانون‌گذاری اسلام، ارکان نظام خانواده بر اصول اخلاقی، چون مودت و رحمت، عفو، فضل، اغماض و گذشت، صلح و رعایت مصلحت خانواده، حاکمیت صفا و صمیمیت، احترام و کرامت و... استوار





است (میرخانی، ۱۳۷۹). به عبارت دیگر، پس از ازواج برای هریک از زوجین در عرصه حقوق متقابل، وظیفه‌ای تعیین می‌شود. اصل معاشرت به معروف، موازنه‌ای در نظام خانوادگی است و مانع می‌شود که زوجین از ناحیه حقی که به آنها داده شده است، ضرری بر شخص مقابل وارد کنند (موسوی بجنوردی و مهرگان صومعه سرائی، ۱۳۹۶).

۲-۱. دستورات قرآن کریم در معاشرت به معروف

اول، سفارش به معاشرت به معروف

مهم‌ترین آیه‌ای که در مورد معاشرت به معروف می‌توان به آن استناد کرد، آیه ۱۹ سوره نساء است: «... وعاشروهن بالمعروف فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئا و یجعل الله فیه خیرا کثیرا؛ ... و با آنان خوش رفتاری کنید و اگر آنان را خوش ندارید، بدانید که چه بسا چیزی را ناخوش بدانید و خداوند در آن خیر بسیار نهاده باشد». فعل «عاشروهن» امر است و فعل امر جز در مواردی که قرینه‌ای بر استحباب باشد، ظاهر در وجوب است. در نتیجه، مستفاد از آیه فوق، معاشرت به معروف یک تکلیف شرعی برای مردان است. (زیدان، ۱۴۲۰ ه.ق، ۲۲۶/۷)

دوم، امساک به معروف

در بعضی از آیات از ضرورت امساک به معروف سخن گفته شده است: «الطلاق مرتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان...؛ طلاق رجعی دو بار است، پس از آن یا باید او را به نیکی نگه داشت، یا به نیکی رها کرد...» (بقره: ۲۲۹). پس از طلاق دوم، مرد می‌تواند رجوع نکند، اما اگر بخواهد رجوع کند و زندگی مشترک را از سرگیرد، باید از همسرش به معروف نگهداری نماید. امساک به معنی حفظ کردن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه.ق). تعبیر امساک به معروف بیان دیگری از معاشرت به معروف است؛ زیرا در آیه‌ای دیگر، امساک به معروف در مقابل امساک به ضرار قرار گرفته است (ر.ک.، بقره: ۲۳۱). بی‌توجهی به این حکم قرآنی (یعنی، سوء معاشرت و امساک به ضرار) زوجه را در عسر و حرج قرار می‌دهد و به او حق می‌دهد که به دادگاه مراجعه نماید. دادگاه زوج را ملزم به طلاق می‌نماید و اگر زوج اقدام به طلاق نکند، خود دادگاه زوجه را مطلقه می‌سازد (ر.ک.، ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی).

سوم) مفارقت به معروف

در بعضی دیگر از آیات، به ضرورت تسریح یا مفارقت به معروف اشاره شده است. (ر.ک.، طلاق: ۲؛ بقره: ۲۳۱؛ بقره: ۲۲۹) این تعبیرات گویای این مطلب اند که اگر زوج بخواهد از همسرش جدا شود و او را طلاق دهد، باید این کار را به نیکی و شایستگی انجام دهد. (عاملی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۹/ ۱۸۸)

چهارم) نفقه زوجه

خداوند در توصیه به مادران شیرده می فرماید:

و الوالدات یرضعن أولادهن حولین کاملین لمن اراد ان یتم الرضاعة و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف....

و مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند، البته آن کسی که خواهد فرزند را شیر تمام دهد و به عهده صاحب فرزند است (یعنی پدر) که خوراک و لباس مادر را به حد متعارف بدهد.... (بقره: ۲۳۳)

حکمی که در این آیه محل گفت و گو است آن است که پدر فرزند باید نفقه خوراک و پوشاک مادر کودک را بپردازد، اما اینکه نفقه شامل چه چیزهایی است و میزان آن چقدر است، آیه فوق به این سؤال فقط با تعبیر بالمعروف پاسخ داده است. درحقیقت، معروف در این مورد مبین کیفیت و کمیت نفقه زوجه است. فقیهان (ر.ک.، طوسی، ۱۳۸۷، ۷/۶) در موارد زیر با استناد به واژه معروف فتوا داده اند: «در مورد نیاز زوجه به خادم و نفقه خادم گفته اند: نفقه خادم برعهده زوج است؛ زیرا این لازمه معروف است» (طوسی، ۱۳۸۷، ۴/۶)، «در مورد خوراک و کیفیت و کمیت آن باید به عرف مراجعه کرد» (طوسی، ۱۳۸۷، ۷/۶)، «در لوازم بهداشتی و وسیله نظیف، زوج باید آن را تهیه نماید (لکونها من المعروف)» (فاضل هندی اصفهانی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۱۰۹/۲).

خداوند متعال در قرآن کریم در امور مربوط به زوجین از واژه معروف استفاده نموده است که نشان دهنده این است که در انجام و اجرای حقوق و تکالیفی که برعهده زوجین است، باید معروف رعایت شود که در بیشتر موارد خطاب متوجه زوج است؛ زیرا دارای اختیارات بیشتری است. در قانون نیز ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، زن و شوهر را مکلف به حسن معاشرت می داند و مطابق ماده ۱۱۰۸ اثر سوء معاشرت زن، بی بهره ماندن او از نفقه است. همچنین ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی که مربوط به سوء معاشرت مرد است بیان می کند:





«زن می‌تواند در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند. در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد».

۲-۲-۲. معنای معروف در لغت و آیات مربوط به روابط زوجین

واژه معاشرت به معنای مخالطه است (ابن منظور، بی تا، ۵۷۴/۴) و از «ع ر ف» مشتق شده است. به گفته لغت شناسان، عَرَفَ گاه به معنای تتابع و پیوستگی و گاه به معنای سکون و آرامش به کار رفته است. وقتی به چیزی معروف گفته می‌شود که نفس بدان آرامش گیرد؛ چراکه اگر کسی چیزی را انکار کند از آن وحشت کرده و دوری می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۲۹ هـ.ق) ابن منظور در تعریف آن می‌گوید: «معروف هر چیز خیری است که نفس به آن شناخت پیدا کند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق)، فقیهان (ر.ک.، طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۷۶/۱۲؛ عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳۱۰/۸) و حقوقدانان درباره مفهوم معاشرت به معروف نوعی اتفاق نظر دارند؛ آنان در مقام تعیین مصادیق معاشرت به معروف، به عرف احاله داده‌اند (امامی، ۱۳۵۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۷؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵/۱، ۲۰۲). راغب در مفردات هر دو حسن عقلی و شرعی را در مفهوم معروف نهفته می‌داند: «معروف نام هر کاری است که عقل یا شرع، حسن و بایستگی آن را دریابد و منکر، نام هر کاری است که عقل یا شرع آن را زشت و ناپسند بداند. از این رو، به میانه روی در بخشش، معروف گفته می‌شود؛ زیرا از منظر عقل و شرع پسندیده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ.ق؛ صدر، ۱۳۹۵). طریحی منظور از معروف را چیزی می‌داند که در راه اطاعت خداوند باشد (طریحی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۹۴/۵). فاضل مقداد مراد از معروف را چیزی دانسته است که مطابق با اخلاق حسنه باشد (فاضل مقداد، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۲۴۷/۱).

در کتاب قاموس قرآن منظور از «عاشروهن بالمعروف» در آیه شریفه، زندگی شایسته مردان با زنان و انجام وظایف واجب و مستحب مرد در قبال زن تعبیر شده است (قرشی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۱/۵). طبرسی در توضیح «عاشروهن بالمعروف» می‌نویسد: «مقصود همزیستی مطابق با فرمان خداوند است که ادای حقوق زن باشد، مانند حق بهره‌وری جنسی، پرداخت نفقه و سخن زیبا. معروف آن است که آزار جسمی و گفتاری به زن روا ندارد و در رویارویی با او گشاده‌رو باشد» (طبرسی، ۱۳۹۴/۳، ۲۵). آیت الله مکارم، مقصود از معاشرت به معروف را رفتار انسانی مناسب با زنان می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷/۳، ۳۲۰). برخی نیز منظور از «عاشروهن بالمعروف» را این می‌دانند که مرد در عملکرد خود انصاف داشته باشد و سخنانش زیبا و نیکو باشد. (فیض کاشانی، بی تا، ۴۳۴/۱)

علامه طباطبایی نیز در تعریف معروف می‌فرماید: «معروف همان چیزی است که متضمن هدایت عقل، حکم شرع، فضیلت، محاسن خلق نیکو، سنت‌های حسنه و آداب است». (طباطبایی، ۱۳۹۷/۲/۲۲۸) ایشان در ذیل آیه ۲۲۸ سوره بقره می‌گویند که چون اسلام، شریعت خود را براساس فطرت و خلقت بنا کرده است «معروف از نظر اسلام همان چیزی است که مردم آن را معروف بدانند، البته مردمی که از راه فطرت و از حد نظام خلقت منحرف نگردیده باشند» (طباطبایی، ۱۳۹۷/۲/۲۳۲) و معاشرت غیر معروف این است که دیگران به او ستم کنند و استقلال او در جزئیت برای جامعه را سلب نموده و او را تابع و غیرمستقل سازند؛ بدین معنا که دیگران از حاصل کار او بهره‌مند شوند، ولی او از حاصل کار دیگران بهره‌ای نبرد (طباطبایی، ۱۳۹۷/۴/۲۵۵). به عقیده ایشان: «اساساً تقیید به معروف و احسان برای جلوگیری از فسادهایی است که ممکن است در اثر سوءاستفاده از حکم شرعی بروز کند. برای مثال در مورد امساک ممکن است زن به منظور اذیت و آزار نگه داشته شود؛ لذا حکم امساک با کلمه بمعروف تقیید شده تا از این گونه اعمال غرض‌ها جلوگیری شود» (طباطبایی، ۱۳۹۷/۲/۳۳۰).

حسن سلوک، مفهوم عرفی دارد و برحسب زمان و مکان، آداب و رسوم اقوام، طوایف و خانواده‌ها فرق می‌کند. عادات و رسوم اجتماعی و درجه تمدن، فرهنگ و نیز اخلاق مذهبی و رفتاری در میان هر قوم مفهوم خاصی از حسن معاشرت به وجود می‌آورد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۳/۱/۱۵۹) توصیه به معروف به شخصی تعلق می‌گیرد که دارای اختیاراتی است و امکان سوءاستفاده برای او وجود دارد. بنابراین، قرآن او را به انجام مناسب‌ترین عمل راهنمایی می‌کند. بیشترین معروفات در قرآن نسبت به اشخاصی است که تمکن مالی داشته و یا دارای قدرت و اختیاراتی هستند و روح کلی حاکم بر این معروفات اغماض و گذشت متمکین مالی برای ایجاد شفقت و مهربانی و ارتباط سالم خانوادگی است (احمدیه، ۱۳۷۹). برای مثال چون زوج مطابق قانون قیّم زوجه است و حق امر و نهی دارد، به او توصیه می‌شود که به معروف معاشرت کند و از حق قیمومت خود سوءاستفاده نکند و زندگی را بر همسر سخت نگیرد و با روحیه‌ای حاکی از اغماض و گذشت در قضایا با او رفتار نماید. در آیات قرآن معروف به معنای عمل شایسته نیز به کار رفته است. قرآن کریم در آیات مربوط به معروف، در مواردی روش اجرای حکم (انتخاب روش شایسته) را خواسته است و



این چیزی فراتر از عمل به تکلیف است. برای مثال در مورد نفقه، آنچه واجب است تأمین نیازهای عرفی زوجه از خوراک و پوشاک است. اگر زوج این نیازها را در حد عرف تأمین نماید، تکلیف او ساقط است، اما به نظر می‌رسد که قرآن درصدد آن است که به زوج توصیه کند در این مورد به حداقل اکتفا نکند؛ درمورد کیفیت به بهترین نوع و در مورد کمیت بیشتر از مقدار مورد نیاز را بپردازد. به بیان دیگر، در مقام عمل به تکلیف، توصیه قرآن به شخص مکلف در یک حکم اخلاقی آن است که بهترین و مناسب‌ترین روش را برای عمل خود برگزیند. انتخاب روش‌های تحقیرآمیز، اکتفا به حداقل، تأخیر در عمل به تکلیف و... با اصل معروف ناسازگار است. (حکمت‌نیا، میرداداشی، و هدایت‌نیا، ۱۳۸۸، ۷۵-۷۶).

بدین ترتیب تکلیف معاشرت به معروف، بیشتر متوجه زوج یا زوجه‌ای است که دارای اختیاراتی است و در انجام این اختیارات و حقوق امکان دارد، سوءاستفاده کند. عمل به معروف به معنای عملی است که موافق شرع و عقل است و با طبیعت و فطرت مردم آن زمان سازگار می‌باشد.

۲-۳. حسن معاشرت به عنوان یک قاعده

برخی حسن معاشرت را یک قاعده فقهی - حقوقی می‌دانند که محتوای آن را می‌توان چنین بیان کرد: هریک از زن و شوهر باید در چارچوب رعایت عرف مقبول در جامعه اسلامی با یکدیگر رفتار کنند. قاعده مورد بحث قاعده‌ای فقهی - حقوقی است نه آموزه‌ای فقط اخلاقی. برابر این قاعده، حقوق و تکالیف زوجین باید تابعی از معروف یا همان عرف پسندیده در جامعه اسلامی باشد. پس هرگاه معروف (یا همان عرف عملی عقلای جامعه اسلامی) بر نحوه عملکرد هر یک از زوجین مهر تأیید نزند، مفاد قاعده لزوم معاشرت به معروف نقض شده است. این نقض در مواردی ممکن است موجب واکنش حقوقی متناسب شود. پذیرش این قاعده به معنای عرفی کردن تمام حقوق خانواده نیست؛ نهاد خانواده در اسلام فلسفه و کارکردهایی متعالی و فضیلت‌گرایانه دارد. از این رو، در حوزه روابط زن و شوهر الزام‌های شرعی مهم و قواعد آمره‌ای وجود دارد که از دآوری‌های عرفی تأثیر نمی‌گیرد؛ با این حال کاریست این قاعده در کنار توجه به مقررات شرعی، نظامی معقول، کارآمد، عملی و مورد پذیرش عقل سلیم را به ارمغان خواهد آورد. برابر این قاعده،

عرف و عقل اجتماعی بر وضع احکام در حوزه حقوق خانواده اثرگذار است. عرف مورد قبول جامعه و وجدان مسلمان متعارف را در تنظیم روابط زن و شوهر نمی‌توان نادیده گرفت. این قاعده راهکار مطمئنی برای حمایت از حقوق زنان فراهم می‌آورد و به او در دشواری‌های اثبات ضرر و یا عسر و حرج برای دریافت پاره‌ای از حمایت‌ها کمک می‌کند. همچنین برخی آموزه‌های فقهی موجود در زمینه روابط زوجین، محصول عرف مسلط دوران‌های گذشته‌هاست. کاربست این قاعده، نظام حقوقی خانواده را از پیشرفت‌ها و تکامل عقلانی - عرفی بهره‌مند کرده و سبب می‌شود تا عرف‌های گذشته آموزه‌های همیشگی اسلامی و وحیانی تفسیر و تعبیر نشوند. (نوبهار و حسینی، ۱۳۹۴)

۲-۳. قلمرو و مصادیق معاشرت به معروف

۲-۳-۱. مدیریت خانواده و معاشرت به معروف

برای برداشت صحیح از متون مربوط به جایگاه مرد و زن در اداره امور خانواده، قاعده معاشرت به معروف را باید در نظر داشت. در حدیث حجه‌الوداع از پیامبر ﷺ نیز آمده است که زنان نباید از مردان در قلمرو معروف نافرمانی کنند (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۱۰۰/۲۴۵). همچنین سعدان، پسر مسلم، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کن که در حدیث بیعت، پیامبر ﷺ به زنان فرمود: «ای بانوان! گوش فرا دهید، من در صورتی با شما بیعت می‌کنم که شرک نورزید... و در معروف، شوهران خود را نافرمانی نکنید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۱۴/۱۵۳).

در این روایات اطاعت از زوج به قید معروف آمده است؛ یعنی مرد حق ندارد برخلاف معاشرت به معروف از همسر خویش اطاعت از چیزهایی را بخواهد که با عرف و سیره شایستگان همسویی ندارد. پس در مبحث مدیریت خانواده، اگر آیه «الرجال قوامون على النساء...» (نساء: ۱۹) بر سرپرستی مردان دلالت دارد، این سرپرستی نمی‌تواند جدا از معاشرت به معروف تفسیر و تعبیر شود.

۲-۳-۲. روابط جنسی زوجین و معاشرت به معروف

به موجب این حکم، روابط جنسی زن و شوهر نیز باید در چارچوب اصل معاشرت به معروف باشد. با استناد به این قاعده، فراهم آوردن امکان ارتباط جنسی، حقوق و تکالیف مشترک زوجین است. تقریر و تفسیرهایی که گاهی از نوع رابطه زوجین می‌شود (ر.ک.، بحرانی، ۱۴۰۵ ه.ق،



۸۹/۲۳؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۶۷۱۱؛ فاضل هندی اصفهانی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۲۷۰/۷؛ فیض کاشانی، الف. بی تا، ۲/۲۹۰؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۵ هـ.ق، ۲۴۲/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۱۵/۲۹؛ باقاعده معاشرت به معروف سازگار نیست. اگر در این مورد به متون فقهی مراجعه شود، خواهیم دید که فقها (ر.ک.، طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۷۶/۱۲) در بسیاری از موارد حقوقی مانند حق قسم و دیگر حقوق جنسی زوجه را بنا به حکم حسن معاشرت به معروف تحلیل نموده اند. برخی از فقها (ر.ک.، بحرانی، بی تا، ۷۰/۱۰؛ طوسی، ۱۳۸۷، ۱۳/۶؛ عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۴۴۵/۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ هـ.ق) عظیم الجثه بودن مرد را به نحوی که رابطه جنسی او با زوجه باعث آسیب او شود از جمله مواردی دانسته اند که با وجود عدم تمکین، زوجه مستحق نفقه خواهد بود. مهم ترین مستند این فتوا قاعده معاشرت به معروف است.

۲-۳-۳. نفقه زوجه و حسن معاشرت به معروف

در نفقه نیز، فقها (ر.ک.، حائری طباطبایی، بی تا؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱۶۳/۱۲؛ فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۲۱ هـ.ق) هم در مقام اثبات اصل وجوب نفقه زوجه به قاعده معاشرت به معروف استناد کرده اند و هم در بیان مسائل و فروع آن. مشهور فقهای امامیه (حائری طباطبایی، بی تا؛ حلی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳۱۹/۷-۳۲۰؛ قمی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۴۸۷/۴؛ مغنیه، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۳۱۳/۵؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ۴۸۶/۱) معتقدند که نفقه زوجه از نظر کمیت، کیفیت و قلمرو شمول، حدی ندارد و موکول است به عرف و عادت. به اصطلاح گفته می شود که نفقه زوجه غیرمقدره است. از نحوه پرسش راویان از پیشوایان دین روشن می شود که مسلمانان این نکته را مسلم می دانسته اند که اصل در میزان نفقه، رعایت متعارف است. از این رو، گاهی از میزان نفقه در شرایط گوناگون می پرسیده اند و پاسخ های پیشوایان دین (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۵۷/۱۵) نشان می دهد که حتی شرایط تنگدستی و گشاده دستی می تواند بر چگونگی نفقه اثرگذار باشد (زمخشری، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۹/۱؛ فخرزازی، بی تا، ۱۰/۱۲).

شهید ثانی (عاملی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۴۶۹/۵-۴۷۱) با استناد به آیه معاشرت به معروف بر آن است که آنچه بر زوج واجب است، تأمین مایحتاج زوجه است، از خوراک و پوشاک و اسکان تا نیاز به خدمتکار و اسباب نظافت و غیر اینها مطابق با عادت امثال آن؛ زیرا خداوند فرموده است که با زنان تن به معروف معاشرت کنید و از جمله معاشرت به معروف، انفاق زوجه است به گونه ای که شایسته چنین زنی است. شهید صدر (صدر، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۳۶۹/۸) الزام و تعهد زوج به

تأمین مایحتاج حیاتی یا اجتماعی زوجه را از مصادیق نفقه و از لوازم تمسک به آیه کریمه «عاشروهن بالمعروف» می‌داند و می‌نویسد: «بدون شک محتاج باقی گذاردن زوجه یا فراهم آوردن موجبات ذلت اجتماعی او، خلاف معروف است» (صدر، ۱۴۲۰ هـ.ق، ۲۷۷/۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۳۶۹/۸). نیاز زوجه به خادم نیز هرچند از مصادیق نفقه و داخل در عنوان کلی معاشرت به معروف است، مورد تصریح ویژه برخی فقها (ر.ک.، سبزواری، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳۰۱/۲؛ طوسی، ۱۳۸۷، ۴/۶) قرار گرفته است.

۲-۳-۴. سکونت مشترک و معاشرت به معروف

به استناد معاشرت معروف با زنان از دیدگاه برخی از فقها (ر.ک.، سبزواری، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳۰۰/۲۵-۳۰۲؛ قمی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۵۶۰/۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۲۹۳/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۳۹/۳۱؛ قمی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۵۶۰/۴؛ سبزواری، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۳۰۲-۳۰۰/۲۵) تهیه مسکن اختصاصی برای زوجه، روابط نامشروع هریک از زن و شوهر به گونه‌ای که به آبرو و حیثیت اجتماعی طرف مقابل آسیب بزند، می‌تواند مصداق نقض قاعده معاشرت به معروف باشد. برخی از حقوق‌دانان (ر.ک.، کاتوزیان، ۱۳۸۵) حتی دراین باره از امکان به کار بستن ضمانت اجرای حقوقی برای حمایت از حکم قاعده معاشرت به معروف سخن گفته‌اند.

۲-۳-۵. مسکن اختصاصی و معاشرت به معروف

به نظر مشهور فقهای امامیه، اختیار تعیین منزل با شوهر است مگر آنکه این اختیار به زن داده شده باشد. قانون مدنی ایران نیز از همین دیدگاه پیروی کرده است (ماده ۱۱۱۴ ق.م.، ولی مرد بایستی رعایت حال و شئون زوجه را در انتخاب محل سکونت بنماید. به نظر بسیاری از فقها، زوجه در غیر صورت شرط نیز می‌تواند از اقامت در منزل مشترک خودداری نماید؛ برای مثال اگر شوهر، منزلی دارد که زوجه دیگرش و یا پدر و مادر وی در آن سکونت دارند و زن را به سکونت در آن دعوت نماید، زن به پذیرش آن موظف نیست بلکه می‌تواند درخواست منزل اختصاصی نماید. مستند عمده فقها در این فتوا، آیه ۱۹ سوره مبارکه نساء است که می‌فرماید با زنان به معروف معاشرت نمایید. به نظر محقق حلی: «بانو حق دارد مطالبه منزلی نماید که در آن مشارکت با غیر زوج نباشد» (محقق حلی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۲۹۳/۲). صاحب جوهر (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۳۹/۳۱) در توجیه این حکم می‌گوید: «تدارک مسکن مناسب و جداگانه از مصادیق معاشرت به معروف و نگهداری همسر به شایستگی است که خداوند به آن امر کرده است». محقق قمی (قمی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۵۶۰/۴) در پاسخ به پرسشی دراین باره می‌گوید:



سکنایی که بر زوج واجب است از برای زوجه، باید درخوری و حال و تعارف زوجه باشد و زوجه را می‌رسد که مطالبه سکنای علی‌حده کند که به غیر زوج کسی نزد او نیاید؛ خواه هووی او باشد، خواه اقارب زوج و خواه غیر آنها و زوج نمی‌تواند او را الزام کند که با هووی خود در یک خانه به سر ببرد. در این صورت میان دودلیل «اسکنوهن من حیث سکنتم من وجدکم» و «عاشروهن بالمعروف» جمع می‌گردد.

به نظر می‌رسد معیار محل سکونت شئون عرفی زن است؛ یعنی اگر شئون زن با زندگی در منزل مشترک منافات نداشته باشد، قائل شدن به چنین حقی برای زن بعید می‌نماید، مگر اینکه سکونت در خانه مشترک موجب ضرر و زیان زوجه باشد و اگر عرف و البته شئون ویژه زن مسکنی اختصاصی را برای او اقتضا نماید، می‌توان چنین حقی را برای او قائل شد (محقق داماد یزدی، ۱۳۷۲). برداشت این معنا و قائل شدن به تفصیل به تناسب شأن زوجه، با معنای ظریفی که از معاشرت به معروف و دخالت معیارهای عرفی و شخصی در تعیین لوازم و مصادیق آن ارائه شد نیز مطابقت دارد. فقها (ر.ک.، سبزواری، ۱۴۱۳ ه.ق، ۲۵/۳۰۰-۳۰۲) درباره مسکن زوجه (مانند سایر نفقات) می‌گویند: «زوجه استحقاق مسکنی را دارد که باتوجه به شأن اجتماعی و متعارف از حال امثال آن زن، مناسب و شایسته او باشد» (نوبهار و حسینی، ۱۳۹۴). احکام اخلاقی متعددی از اصل معاشرت به معروف استنباط شده است مثل عفو و بخشش خطاهای یکدیگر، پابندی به همسر و عدم اهتمام به شخص غیرهمسر، قدردانی از زحمات یکدیگر، پرهیز از بدگویی و ابراز عیوب همسر نزد دیگران، حفظ کرامت زن حتی در صدازدن او، گوش دادن به سخنان زن و مشورت با وی، هدیه دادن به یکدیگر، احساس همدلی در شادی و همدردی در حزن و اندوه (عقله، ۱۴۲۰ ه.ق). بسیاری از این امور جنبه اخلاقی دارد، اما در دعاوی خانوادگی، چه بسا قضاات بتوانند با نگاهی به مجموعه رفتارهای شوهر، احکامی متناسب صادر کنند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰).

۲-۴. معاشرت به معروف و ارتباط آن با حقوق فطری

همان‌گونه که بیان شد معاشرت به معروف یک قاعده کلی و همه جانبه است که براساس نص صریح قرآن باید در روابط زوجین رعایت شود. معروف آن چیزی است که شرع و عقل آن را تأیید می‌کند و ممکن است باتوجه به شرایط هریک از زوجین و موقعیت مکانی و زمانی آنها متفاوت باشد که در مباحث مربوط به نفقه، تمکین، قیمومت مرد بر خانواده



مشهود است. حرکت براساس عرف در قوانین مربوط به خانواده حکم فرماست؛ زیرا علاوه بر اینکه هر خانواده ویژگی‌های خاص خود را دارد، نسبت به خانواده دیگر نیز ویژگی‌های خاصی دارد و حقوق و تکالیف باید به گونه‌ای اجرا شود که مخالف با شرع نباشد و فطرت و طبیعت سلیم بشر آن را تأیید نماید؛ همان فطرت و طبیعتی که باید در معنا بخشیدن به عرف به آن رجوع شود. فطرت و طبیعتی که ثابت است، اما در طول زمان و در مکان‌های مختلف ممکن است دچار تغییرات جزئی شود؛ تغییراتی که اصل طبیعت انسان را زیر سؤال نبرد.

نص این قاعده بیشتر متوجه مردان است؛ زیرا آنها در جایگاه قیم خانواده مسئولیت بیشتری دارند و امکان سوءاستفاده از مسئولیت‌ها و حقوقشان بیش از زنان است. هرچند برخی قوانین حقوقی پایه و اساس حقوقی زوجین است، پیش فرض همه این حقوق این است که برای بهره‌مندی از آن که براساس طبیعت و فطرت زن و مرد پیش بینی شده است باید معاشرت به معروف با طرف مقابل رعایت شود. کارکردها و اهداف خانواده باید براساس ویژگی‌های جسمی و روحی و فطرت و طبیعت زوجین تعریف شود. زمینه آگاهی هریک از زوجین به طبیعت و فطرت یکدیگر فراهم شود تا تشکیل خانواده با آگاهی انجام گیرد. حسن معاشرت و رفتار نیک و معروف زوجین، موافق با فطرت و طبیعت انسان و همگام با اصلی‌ترین هدف و کارکرد خانواده یعنی، ایجاد مودت و رحمت است. براین اساس، مصادیق معاشرت به معروف و همگامی آن با طبیعت و فطرت انسان باید با توجه به ویژگی‌ها، اهداف و کارکردهای نظام خانواده باشد.

معاشرت به معروف با فطرت و طبیعت زوجین هماهنگ است؛ فطرت و طبیعتی که همسو با مودت و رحمت است. این طبیعت و فطرت باید در کنار دیگر قوانین شرع، براساس معاشرت به معروف منعطف باشد و در عین حال هیچ مصاداقي از معاشرت به معروف نباید برخلاف ویژگی‌های زوجین و نظام خانواده تعریف شود. براین اساس، در خانواده به مصلحت نوعی و شخصی همزمان توجه می‌شود و خانواده یک نظام در نظر گرفته می‌شود نه نهادی فردمحور و خودمحور. به عبارت دیگر، احکام فقهی - حقوقی و تکالیفی که بر عهده زوجین است، بیان‌کننده بخش کوچکی از حقوق و تکالیف اعضای یک سیستم

و تعیین حدود اختیارات و وظایف اعضای آن نسبت به یکدیگر است. شارع مقدس که پدیدآورنده نظام تکوین و تشریع است به طبیعت، فطرت و ویژگی‌های هریک از زوجین توجه داشته و عالم است به اینکه نظام خانواده را نمی‌توان فقط با احکام حقوقی اداره نمود بلکه حاکم بودن قوانین اخلاقی است که می‌تواند افراد را به زندگی خانوادگی و مشترک پایبند و دلگرم نماید. خداوند حکیم توجه به حکومت اخلاق را در غالب حکم معاشرت به معروف و براساس نظام تکوین، تشریع نموده است.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

امر فطری، با آموزش، تلقین، مواجهه با عالم واقع (اعم از مادی و غیرمادی)، فعالیت ذهنی و عقلانی (اعم از تحلیل، ترکیب، استدلال و تعریف)، مجاهدات نفسانی و... به دست نیامده است بلکه با آفرینش همزمان است. امور فطری، ممکن است به دلیل تحولات اجتماعی و... تضعیف و کم‌رنگ شوند، اما هیچ‌گاه از بین نرفته و در نهاد و سرشت آدمی باقی می‌ماند. استعدادهای فطری انسان اساس و پایه احکام حقوقی وی را تشکیل می‌دهند. در بین فقهای امامیه نیز مقصود از حقوق فطری، کاربرد عقل در کشف، استنباط و هادی مکلف و مجتهد در اجرای دین است. باتوجه و الهام از نظریه فطرت و نظام تکوین است که می‌توان فلسفه بسیاری از دستورهای شرع را دانست. براین اساس، اگر تفاوتی در احکام اجتماعی زن و مرد در اسلام دیده می‌شود، به دلیل تفاوت جسمی و فیزیولوژیکی آنهاست که هریک از این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تمایز در کارکردها و تفاوت در اغراض مورد انتظار و مسئولیت‌های هریک از دو جنس است. قرآن کریم در مورد روابط زوجین از واژه معروف استفاده نموده است که نشان می‌دهد علاوه بر حقوق و تکالیفی که برعهده زوجین است در انجام این امور بایستی معروف رعایت شود. تکلیف معاشرت به معروف، بیشتر متوجه زوج یا زوجه‌ای است که دارای اختیاراتی است و در انجام این اختیارات و حقوق امکان سوءاستفاده است. عمل به معروف به معنای عملی است که موافق شرع و عقل است و با طبیعت و فطرت مردم هر عصر سازگار باشد. براساس ویژگی‌ها، کارکردها و اهداف خاصی نظام خانواده و حکومت اخلاق بر حقوق در خانواده، احکامی مانند معاشرت به معروف، هریک از زوجین

را برای اجرای بهتر قوانین حقوقی در خانواده مهیا می‌کند. معاشرت به معروف و رفتار نیک و شایسته و متناسب با عرف زوجین، موافق با فطرت و طبیعت آنها و همگام با اصلی‌ترین هدف و کارکرد خانواده یعنی، ایجاد مودت و رحمت است.

پیشنهاد می‌گردد ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی بدین صورت تکمیل گردد: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند و این قاعده بر تمامی حقوق و تکالیف زوجین حکومت دارد». در صورت اصلاح این ماده قانونی، قضات دادگاه‌ها و حتی زوجین در مقام قضاوت نسبت به اختیارات و رفتارهای زوجین، معاشرت به معروف را در نظر گرفته و براساس آن عمل می‌نمایند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۲)، مترجم: الهی قشمه‌ای، مهدی. قم: نگارش.
۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۴)، *النجاه من الغرق فی بحر الضلالت*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲. ابن فارس، ابوالحسن احمد (۱۴۲۹ هـ.ق)، *معجم مقاییس اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. ابن منظور، جمال الدین محمد (بی‌تا)، *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. ابوترابی، احمد (۱۳۹۷)، *علوم فطری نزد فیلسوفان غرب و اندیشمندان مسلمان*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۵. احمدیه، مریم (۱۳۷۹)، *عرف، معروف، مساوات، مطالعات راهبردی زنان*، ۹، (-)، ۶۸-۸۴.
۶. امامی، سید حسن (۱۳۵۱)، *حقوق مدنی خانواده*، تهران: انتشارات اسلامی.
۷. امامی، مسعود (۱۳۹۲)، *فلسفه حکم تعدد زوجات*، پژوهش‌نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۱۱(۱)، ۵۹-۸۰.
۸. بحرانی، حسین بن محمد (بی‌تا)، *الانوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع*، قم: مجمع البحوث الاسلامیه.
۹. بحرانی، هاشم (۱۴۱۶ هـ.ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت.
۱۰. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ هـ.ق)، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. جعفری لنگرودی (۱۳۷۳)، *حقوق خانواده*، تهران: گنج دانش.
۱۲. جواد آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، *فطرت در قرآن در تفسیر موضوعی قرآن کریم*، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۳. حائری طباطبایی، سید محمد (بی‌تا)، *کتاب المناهل*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۴. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ هـ.ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۵. حسینی، سید اماله (۱۳۸۶)، *اصول نظریه حقوق فطری در اندیشه استاد مطهری*، *فقه/هل بیت*، ۵۲، (-)، ۱۰۶-۱۳۹.
۱۶. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰)، *حقوق زن و خانواده*، تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۷. حکمت‌نیا، محمود، میرداداشی، سید مهدی، و هدایت‌نیا، فرج اله (۱۳۸۸)، *فلسفه حقوق خانواده*، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
۱۸. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ هـ.ق)، *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ هـ.ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، لبنان: دارالعلم.
۲۰. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۸)، *فطرت و دین*، تهران: کانون اندیشه جوان.
۲۱. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ هـ.ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۲. زیدان، عبدالکریم (۱۴۲۰ هـ.ق)، *المفصل فی احکام المراه و بیت المسلم*، بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۳. سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ هـ.ق)، *مذهب الاحکام*، قم: مؤسسه المنار.
۲۴. صدر، سید محمد (۱۳۹۵)، *المعالم الجدیدة*، تهران: مکتبه النجاش.





۲۵. صدر، سید محمد (۱۴۲۰ ه.ق). *ما وراء الفقه*. بیروت: دارالاضواء.
۲۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳). *مفاتیح الغیب*. تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
۲۷. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ ه.ق). *ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالادلة*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۳۹۴). *مجمع البیان لعلوم القرآن*. قاهره: رابطه الثقافه والعلاقات الاسلامیه.
۳۱. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ه.ق). *مجمع البحرین*. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۳۳. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ه.ق). *الروضه البهیئه فی شرح لمعه دمشقیه*. قم: کتابفروشی داوری.
۳۴. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ ه.ق). *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۳۵. عقله، محمد (۱۴۲۰ ه.ق). *نظام الاسره فی الاسلام*. عمان: الرساله الحدیثه.
۳۶. فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله (۱۴۱۹ ه.ق). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. بی جا: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۳۷. فاضل موحیدی لنگرانی، محمد (۱۴۲۱ ه.ق). *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
۳۸. فاضل هندی اصفهانی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ه.ق). *کشف اللثام والابهام عن قواعد الاحکام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۹. فخر رازی، محمد بن عمر (بی تا). *التفسیر الکبیر*. قاهره: چاپ افست.
۴۰. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (الف. بی تا). *مفاتیح الشرائع*. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴۱. فیض کاشانی، مولی محسن (ب. بی تا). *الصادی فی تفسیر کلام الله*. مشهد: دارالمرتضی للنشر.
۴۲. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ ه.ق). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۳. قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۱۳ ه.ق). *جامع الشتات فی اجوبه السوالات*. تهران: مؤسسه کیهان.
۴۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *حقوق خانواده*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ه.ق). *بحار الانوار الجامعه للاحبار الائمه الاطهار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۶. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ه.ق). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۷. محقق داماد یزدی، سید مصطفی (۱۳۷۲). *بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن*. تهران: علوم اسلامی.
۴۸. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۷). *آموزش فلسفه*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۴۹. مطهری، مرتضی (۱۴۰۳ ه.ق). *بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی*. تهران: حکمت.
۵۰. مطهری، مرتضی (بی تا). *مجموعه مقالات*. بی جا: بی نا.
۵۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: صدرا.
۵۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). *یادداشت های استاد مطهری*. تهران: صدرا.
۵۳. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ ه.ق). *فقه الامام الصادق (ع)*. قم: مؤسسه انصاریان.
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ ه.ق). *کتاب النکاح*. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۵۶. موسوی بجنوردی، سید محمد، و مهرگان صومعه سرابی، بتول (۱۳۹۶). *بررسی حقوق و تکالیف غیرمالی زوجین براساس مصلحت خانواده با رویکردی بر نظر امام خمینی (ع)*. پژوهشنامه متین، ۱۹(۱)، ۷۶-۲۰.
۵۷. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۵ ه.ق). *تحریر الوسیله*. مترجم: اسلامی، علی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۸. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۲). *جهل حدیث*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
۵۹. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ ه.ق). *نهایه المرام فی شرح مختصر شرایع الاسلام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶۰. میرخانی، عزت السادات (۱۳۷۹). *رویکردی نوین در روابط خانواده*. تهران: سفیر صبح.
۶۱. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ه.ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۲. نوبهار، رحیم، و حسینی، سیده ام البنین (۱۳۹۴). *قاعده لزوم معاشرت به معروف در روابط زن و شوهر*. خانواده پژوهی، ۴۱(۱)، ۵۳-۷۲.